

تاریخ اجتماعی ایران

www.Bakhtiaries.com

جلد ششم

تألیف:
مرتضی راوندی

انتشارات نگاه

تهران ۱۳۷۱

تاریخ اجتماعی ایران (جلد ۶)

مرتضی راوندی

چاپ دوم: ۱۳۷۱

نیراز: ۵۰۰۰

چاپخانه: نوبهار

www.Bakhtiaries.com

لیتوگرافی: فردوسی

کلیه حقوق محفوظ است.

انتشارات نگاه: خیابان ۱۲ فروردین، تلفن ۶۴۰۸۹۷۱

فهرست مندرجات

www.Bakhtiaries.com

- فصل اول: اخلاق رسوم اجتماعی ۹
- فصل دوم: تحوّل و انقلاب کلی در وضع خانواده ۱۹۵
- فصل سوم: سیر تکاملی حیات ۳۰۵
- فصل چهارم: تاریخ تغذیه در ایران ۳۹۹
- فصل پنجم: تفریحات و سرگرمیها ۵۴۳
- فصل ششم: مفهوم هنر ۶۲۳

یادداشت ناشر

www.Bakhtiaries.com

چنانکه بر خوانندگان تاریخ اجتماعی ایران پوشیده نیست، کتاب حاضر، جلد ششم از دوره ده جلدی تاریخ اجتماعی ایران است که مؤلف در حدود چهل سال در راه گردآوری و تألیف مندرجات آن صرف وقت کرده است. در جلد ششم تاریخ اجتماعی ایران، مظاهر گوناگون زندگی اجتماعی ایرانیان، از جمله: اخلاق و رسوم، مراسم عروسی، عزا، نحوه پذیرائی از مهمانان، انواع خوراک و پوشاک و همچنین تفریحات و سرگرمیهای مردم در دورانهای مختلف، مورد بررسی واقع شده است. ناشر وظیفه خود می داند در مورد پاره‌ای از مطالب مطرح شده در این مجلد، توضیحاتی ارائه نماید.

در فصل اول کتاب، نویسنده محترم از «پولس» به عنوان یکی از حواریون مسیح (ع) نام می برد. در دایرةالمعارف فارسی، تألیف دکتر غلامحسین مصاحب، نیز از پولس به عنوان یکی از حواریون عیسی مسیح (ع) یاد شده است. اما برخی از محققین از پولس نه به عنوان حواری مسیح (ع) بلکه به عنوان «بدعت‌گذار» در آئین مسیح سخن می گویند که تلاش می کرده است از راه رقابت و دشمنی با حواریون، افکار و منویات خود را در آئین مسیح (ع) وارد کند!

همچنین در همین فصل، نقل قولی است از محمدبن زکریای رازی، طبیب و دانشمند ایرانی که به قیاس «اعتکاف مسلمین در مساجد» با «رهبانیت مسیحیان» پرداخته است.

اساساً، آئین اسلام با هرنوع رهبانیت و ریاضت مخالف است و این معنی به خوبی از آیات (الحدید - ۲۷)، (الحج - ۷۸)، (البقره - ۱۸۵) و (الاعراف - ۳۲)

در آیه ۸۷ از سوره المائدہ صریحاً تذکر داده شده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» یعنی: ای اهل ایمان، روزیهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده، بر خود حرام مکنید.»

همچنین در بحث «اخلاق و عادات» گفته عبدالله عباس که از تفسیر ابوالفتوح رازی نقل شده است، اشاره به عادت مشوم اعراب در دوران جاهلیت دارد که به مبادله همسران می پرداختند؛ اسلام این عمل را در زناى محصنه» تلقی کرده و به شدت با آن به مبارزه برخاسته است.

در بررسی «وضع اجتماعی در عهد سعدی» اشاره است به نقل صاحب طبقات الشایعه در تجویز نزدیکی و مقاربت با غلام ملوک، بر کسی پوشیده نیست که حرمت این عمل از مسلمات اسلام و مورد تأیید اجماع همه فقهای مذاهب اسلامی است.

در فصل دوم کتاب، به بررسی «تحول و انقلاب کلی در وضع خانواده» پرداخته شده است. بر همگان آشکار است که اسلام به حقوق زن اهمیت زیادی داده است؛ درها قانون ضدانسانی که در دوران جاهلیت علیه زنان ساری و جاری بود؛ با ظهور اسلام از بین رفت. اسلام برای زنان حتی مالکیت، حق نفقه، سهم الارث، کابین و دیگر حقوق اجتماعی و انسانی را به ارمغان آورد. اما بدون شك، هنگام نقل مطالب تاریخی، به ناگزیر ذکر بعضی مطالب - هرچند که در غلط بودن آن تردیدی نیست - ضروری است.

به عنوان مثال: امیر قابوس بن وشمگیر در قابوسنامه از قول حضرت رسول (ص) روایت می کند: «دفن البنات من المکرمات»

بی معنی بودن این روایت مؤلف قابوسنامه، هیچ گونه توضیحی را نمی طلبد. و یا آنچه که از کتاب «کیمیای سعادت» به عنوان احادیث منتسب به حضرت رسول (ص) نقل شده است، از سوی بسیاری از علمای اسلام خلاف واقع و دروغ قلمداد می شود.

و اساساً قرآن کریم که مرجع موثق مسلمانانست، زن را چون جامه مرد و مرد را چون جامه زن می شمارد: «لَعَنَ لِبَاسٌ نَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» البقره - ۱۸۷.

آئین اسلام، مقام زن را بسیار والا می‌شمرد و در مورد رفتار با زنان در قرآن کریم آمده است:

www.Bakhtiarries.com

«عائِشِرُوَلُصْنُ بِالْمَعْرُوفِ» (النساء - ۱۹) یعنی با زنان به نیکی رفتار کنید. طبعاً آنچه از نوشته حاج محمد هاشم خراسانی، سهیل کاشانی و ... آمده است، صرفاً برای رعایت امانت تاریخی است و خواننده نکته سنج، به اهمیت حقوق زنان، از دیدگاه اسلام، واقف است.

در فصل «تاریخ تغذیه در ایران» به باده‌نوشی و میگساری اشاره شده است ما نمی‌توانیم ادعا کنیم اشاره به باده، در اشعار شعرای ایرانی، همان باده انگوری است.

حافظ و دیگر عارفان، مکرر از «باده روحانی» سخن گفته‌اند:

بی خود از شعشعه پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند
در جای دیگر می‌گوید:

ساکنان حرم سرو عفاف ملکوت با من راه‌نشین باده مستانه زدند

علامه شهیر مرتضی مطهری در کتاب «تماشاگاه راز» به این معنی اشاره می‌کند، استاد می‌نویسد: «... افرادی در این زمینه‌ها و با همین الفاظ و اصطلاحات شعر گفته‌اند که درباره هرکس بشود احتمال گناه و انحراف داد، درباره آنها نمی‌شود هیچ احتمالی داد ...» و برای نمونه از شعر علامه فقید طباطبائی صاحب تفسیر مشهور «المیزان» ابیاتی را نقل می‌کنند.

همی گویم و گفته‌ام بارها بود کیش من مهر دلدارها
... به یاد خم ابروی گلرخان بکش جام در بزم میخوارها
گره را ز راز جهان بازکن که آسان کند باده دشوارها

و آنچه که از قول مؤلف کتاب «الابنیه عن حقائق الادویه» نقل شده که «گوشتِ خوک بهتر از همه گوشت‌هاست». با مبانی علمی امروز سازگار نیست.

در آخرین فصل کتاب، روایتی است از «نفرین حارث» که با آوردن افسانه‌های پهلوانی ایرانی به ظن خود، می‌خواست آیات آسمانی رسول اسلام را تحت الشعاع قرار دهد.

با نقل سخن نفرین حارث از «سیره ابن هشام» جای بحث و تحلیلی و شک و

تردیدى باقى نهمى مانند: «اى گروه قریش! سوگند به خدا، حادثه‌اى برايتان پيش آمده که راه حيله را به روى شما بسته است! محمد از کودكى در ميان شما بود و پيش از همه از او راضى بوديد و او راستگوتر و امانت‌دارتر از همه بود. اکنون که در گونه‌هايش، موهاى سپيد مى‌بينيد و اين دين را برايتان آورده، مى‌گويبيد: او جادوگر است! نه به خدا. جادوگر نيست. جادوگران و دميدن و گره بستن ايشان را ما ديده‌ايم. گويبيد: کافى است! به خدا، کاهن هم نيست که ما کاهن‌ها و اشارات ايشان و سخنان مسجع آنان را شنيده‌ايم. و گوئيد: شاعر است: نه به خدا، شاعر هم نيست. ما همه انواع شعر را شنيده‌ايم ... اى قریشيان! در کار خود درست بنگرید که به خدا امر عظيمى برايتان پيش آمده است.»

در این جلد از مجلدات تاریخ اجتماعی ایران نمودها و مظاهر مختلفی از زندگی اجتماعی ایرانیان در طول تاریخ مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است؛ از جمله اخلاق و رسوم اجتماعی، مراسم عروسی و عزا، تفریحات و سرگرمیهای مردم، طرز پذیرایی از مهمانان، انواع غذا و خوراک و پوشاک، در دورانهای مختلف، و دیگر مظاهر گوناگون زندگی مورد بررسی واقع شده است.

باید توجه داشت که عوامل گوناگونی در تکوین اخلاقیات و نفسانیات افراد اجتماع تاثیر می‌گذارد، که از آن جمله، دوران تاریخی، و محیط اجتماعی تاثیر فراوانی در پیدایش اخلاقیات مردم دارد، فی‌المثل نظریات اجتماعی و تعالیم سیاسی ابن مقفع دانشمند معروف ایرانی، که در حدود ۱۳ قرن پیش اظهار شده است، و تعالیم اخلاقی سعدی که در حدود ۷ قرن پیش در عهد اتابکان فارس در آثار منظوم و منثور سعدی منعکس شده، کاملاً با محیط تاریخی و اجتماعی آن دورانها مطابقت و هم‌آهنگی دارد. چنانکه «روح‌القوائین» منتسب به کتابی است در فلسفه سیاسی و در نیمه دوم قرن هیجدهم یعنی در ۱۷۴۸ در ژنو چاپ شده، کاملاً با مقتضیات محیط اجتماعی آن روز اروپا مطابقت داشته است و شاید در اثر همین هم‌آهنگی مندرجات کتاب با نیازمندیهای اجتماعی اروپا بود، که کتاب مزبور در مدت دو سال، بیست و دو بار طبع و منتشر گردید، مردم با علاقه فراوان به مطالعه و تحقیق در پیرامون مطالب آن می‌پرداختند. این کتاب، در دورانی که اروپا از ظلم و استبداد پادشاهان مستبد رنج می‌برد، رژیمهای سیاسی و انواع حکومتهای که در تاریخ بشر پدید آمده است مورد بحث قرار می‌دهد و روابط و رسوم و عادات و قوانین اجتماع و طبیعت را بررسی میکند.

معمولاً افراد عادی همه را همانند خود می‌پندارند و تصور می‌کنند آنچه مورد پسند آنان است مورد قبول دیگران نیز می‌باشد، در حالی که چنین نیست و عوامل گوناگون تاریخی، جغرافیائی، بیولوژیک و جز اینها هر فرد انسان را واجد مختصات اخلاقی معینی ببار می‌آورد و به عبارت دیگر همانطور که خطوط کف دست و انگشتهای هر انسانی با انسانهای دیگر کاملاً متفاوت است، خصوصیات اخلاقی و روحی مردم نیز بر حسب محیطی که در آن زندگی و نشو و نما می‌کنند مختلف و با دیگر افراد اجتماع یکسان و هم‌آهنگ نیست.

البته نمیتوان انکار کرد که در بین افراد جامعه بشری خطوط مشترک روحی و نفسانی وجود دارد، همه انسانها طالب همکاری اجتماعی هستند، همه از عدالت اجتماعی، لذت می‌برند، همه طالب زیبایی و اعتدال هستند همه در آرزوی سعادت و نیکبختی بسر میبرند و همین خصوصیات است که انسانها را از دیگر موجودات زنده متمایز می‌سازد.

مرتضی راوندی

www.Bakhtiaries.com

شیران، ۲۱ مرداد ۱۳۶۳



www.Bakhtiarries.com

RONJAT.

نسخه اصلی این صفحه سفید میباشد

فصل اول

www.Bakhtiaris.com

اخلاق و رسوم اجتماعی

نسخه اصلی این صفحه سفید میباشد

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ»^۱

آل عمران (۳) آیه ۱۳۷

www.Bakhtiaries.com

بعقیده جامعه‌شناسان، اخلاق و عادات و رسوم جوامع بشری مانند دیگر پدیده‌های آن با شرایط و اوضاع اقتصادی، در ادوار مختلف تاریخی تغییر کرده است یعنی با دگرگون شدن زیربنای جامعه و استقرار طرز تولید جدید، روبروئی آن یعنی روابط تولیدی اخلاق و عادات و قوانین و نظامات مدنی و اجتماعی نیز دستخوش تغییر و تحول می‌شود. — بنابراین برخلاف عقیده محققان و جامعه‌شناسان قدیم که اخلاق و رسوم اجتماعی را یک پدیده مطلق، ابدی و تغییرناپذیر، و کاملاً مستقل از شرایط مادی زندگی بشر می‌دانستند، دانشمندان و محققان جدید عقیده دارند که با تکامل تاریخی اجتماع بشری، تئوریهای اخلاقی و عادات و رسوم نیز دگرگون می‌شود — در دوران بردگی اخلاق و رسوم و قواعد اخلاقی عصر بردگی حکومت می‌کرد و ارسطو بزرگترین متفکر دنیای قدیم، چون وابسته به طبقه فرمانروا بود نظام بردگی و راه و رسم ظالمانه آنرا طبیعی و عادی می‌شمرد.

۱. یعنی پیش از شما سنتها و عاداتی بین مردم بوده است، پس در زمین و آثار آن سیروسیاحت کنید و ببینید پایان کار کسانی که حقایق را منکر شدند چگونه بوده است.

ارسطو می گفت: غلام ابزار جاننداری است که برای به حرکت انداختن ابزار بیجان لازم است. بعقیده او وجود بردگان، برای رفع نیازمندیهای مردم آزاد ضروری است. غلام از روز اول غلام خلق شده و باید عمر خود را در خدمتگزاری مردم آزاد سپری سازد. پولس حواری مسیح این نظام جابرانه را تقدیس می کرد و می گفت نظام بردگی با مشیت الهی سازگار است، در این دوره، ارباب، نه تنها در بهره کشی بلکه در کشتن و فروختن غلام مختار بود، غلام حق نداشت زنی اختیار کند بلکه ارباب هر وقت میخواست زنی را در اختیار او میگذاشت، زن غلام، کنیز ارباب هم بود و میتوانست او را به همخوابگی خود یا دیگران درآورد. این اعمال غیرانسانی را بشر دوران بردگی دور از مبانی اخلاقی نمیدانست - پس از استقرار نظام فئودالی، جامعه بشری از جهات مختلف از جمله از لحاظ اخلاقی قدمی چند بجلو آمد، نظام بردگی جای خود را باصول «سرواژ» داد، در این دوره اربابان حق کشتن سرفها را (یعنی کشاورزانی که برای اربابان کار میکردند) نداشتند، بلکه فئودالها بخود حق میدادند که از رعایا «سرفها» بهره نحو میخواهند بهره کشی کنند و آنها را با زمین بدیگری بفروشدند. باین ترتیب پس از روی کار آمدن نظام فئودالی، تئوری اخلاق و رسوم و عادات جدیدی پدید آمد که با شرایط اقتصادی و تولیدی آن دوران کاملاً مطابقت و هم آهنگی داشت و همینکه از قرن هیجدهم بتدریج نظام سرمایه داری یا اصول بورژوازی جانشین راه و رسم فئودالی گردید، یک رشته رسوم و عادات و موازین اخلاقی جدید Moral جایگزین رسوم و قواعد قرون وسطانی شد و ارزش و مقام انسانی بیش از پیش بالا رفت.

به این ترتیب نتیجه میگیریم که اخلاق و رسوم و عادات بشری یک پدیده ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه با رشد اجتماعی و مناسبات اقتصادی و طرز تولید و مبادله، رابطه ای ناگسستی دارد. در دوران مورد بحث ما (دوره بعد از اسلام) در سراسر جهان شرق و غرب اصول اقتصادی فئودالیسم حکومت و فرمانروائی داشت و تمام قدرت اقتصادی در دست فئودالها و عمال آنها متمرکز بود و اکثریت مردم از تأمین اقتصادی و سیاسی و آزادی فردی و اجتماعی بی نصیب بودند، زمین و سایر نیروهای مولده بسلاطین، امرا و ملوک طوایف تعلق داشت، در چنین شرایطی نفع پرستی و تجاوز بحقوق اکثریت و ناچیز شمردن ارزش و مقام انسانی، امری عادی و معمولی بود بهمین جهت آن دسته از متفکرین و صاحب نظران قرون وسطی که وابسته بمردم بودند نه تنها زورمندان، بلکه توده